



گزارش

تشکیل ائتلاف عربی - صهیونیستی

علیه جمهوری اسلامی ایران

شماره: ۱۲۳

خرداد ماه ۹۶

رصدخانه روابط بین الملل

سخنی با خوانندگان:

رصد مداوم و تجزیه و تحلیل آخرین رویدادها در عرصه بین الملل برای ایجاد شناخت، روند شناسی و برنامه ریزی صحیح از جمله نیازهای ضروری است.

بدین منظور گروه رصدخانه روابط بین الملل مجمع جهانی صلح اسلامی این مهم را در دستور کار خود قرار داده و بخشی از آن را به صورت موردی با عنوان ترجمان روز منتشر می نماید.

هر گونه مساعدت و همفکری در جهت افزایش غنای این گزارش های خبری و تحلیلی مزید امتنان است.

بدیهی است طرح گزارش ها و تحلیل ها گرایشی نبوده و به عنوان نظر رسمی این مجمع نیز تلقی نمی گردد.

از آنجا که این گزارش صرفاً برای تعدادی از مسئولان و مدیران انتشار می یابد، بهره برداری، انتشار و کپی برداری از مطالب با هماهنگی این

مجمع مجاز خواهد بود. تلفن: ۸۸۵۳۸۲۴۸ ایمیل: iwpcf2008@gmail.com — آدرس تلگرامی: @iw_peace

بسمه تعالی

تشکیل ائتلاف عربی- صهیونیستی

علیه جمهوری اسلامی ایران



مقدمه

رقابت منطقه‌ای و تنش بین عربستان و ایران وارد مرحله تازه‌ای شده است که ویژگی عمده آن را می‌توان خصومت روبه گسترش، به خصوص از طرف عربستان ارزیابی نمود. این شدت را می‌توان در تمامی حوزه‌های سیاسی و دیپلماتیک، اقتصادی، رابطه با اپوزیسیون و در نهایت در عرصه نظامی و در تلاش عربستان بر ایجاد ائتلاف ضدایرانی به آسانی مشاهده نمود. به عنوان نمونه طی یک سال گذشته عربستان سعودی در عرصه سیاسی و دیپلماتیک تلاش نموده در تمامی سازمان‌ها و نهادهای منطقه‌ای ممکن ایران را محکوم و منزوی نماید. در این مدت مقامات عربستانی توانسته‌اند با ایجاد اجماع نسبی در «شورای همکاری خلیج فارس»، «اتحادیه عرب»، «سازمان همکاری اسلامی»^۱ و همچنین شورای امنیت، حمله به سفارت خود را محکوم نمایند. در عرصه اقتصادی نیز مقامات سعودی تمامی تلاش خود را برای جلوگیری از ورود ایران به بازار انرژی با هدف جلوگیری از قدرت‌یابی جمهوری اسلامی نمودند، با این حال با درایت و تلاش مقامات ایرانی عملاً به اهداف خود نرسیدند. در کنار این حوزه‌ها می‌توان به سیاست نزدیکی بیشتر به اپوزیسیون ایرانی خارج‌نشین و برخی از گروه‌های

^۱Gulf Cooperation Council

^۲ Arab League

^۳Organisation of Islamic Cooperation

قومی و مذهبی داخلی اشاره نمود؛ که با هدف فشار بیشتر بر جمهوری اسلامی ایران و به تلافی رابطه نزدیک ایران با شیعیان و گروه‌های مخالف سعودی صورت می‌گیرد. در عرصه منطقه‌ای نیز در تحلیل نهایی جنگ در سوریه، عراق و یمن و همچنین بی‌ثباتی‌ها و تنش‌های موجود در بحرین و لبنان را می‌توان جلوه‌ای از رقابت همه‌جانبه عربستان با ایران ارزیابی نمود. در عرصه نظامی نیز طی چند ماه گذشته تحولات جدیدی در سطح منطقه به رهبری عربستان سعودی صورت گرفته، که هدف نهایی آنها جمهوری اسلامی ایران است. از جمله اینکه در روندی بی‌سابقه عربستان و متحدانش سیاست خرید تسلیحاتی گسترده‌ای را آغاز نموده‌اند که هدف آن ایجاد بازدارندگی در برابر ایران، به خصوص در عرصه دفاع موشکی و در نهایت آماده شدن برای مقابله نظامی احتمالی است. لازم به اشاره است که این روند جدید نظامی را نباید در ادامه خریدهای گذشته ارزیابی نمود، چرا که شدت خریدهای تسلیحاتی عربستان و متحدان آن از حیث کیفیت و کمیت قابل قیاس با گذشته نیستند. در این زمینه می‌توان به آمارهای مراکز معتبر جهانی اشاره نمود که بر اساس آنها عربستان سعودی با سبقت از هند، تبدیل به بزرگترین خریدار تسلیحات نظامی جهان شده است. همچنین در سال جاری عربستان سعودی در عرصه بودجه نظامی جای روسیه را گرفت و تبدیل به سومین کشور برتر جهان شد. مقام سوم عربستان در عرصه بودجه نظامی، آن‌هم در میان کشورهای بزرگی چون آمریکا، چین، روسیه، انگلستان، فرانسه، آلمان و ایتالیا و به خصوص با توجه به رقابت و تنش رو به گسترش با ایران و روند تحولات منطقه، موضوعی است که باید بیشتر مورد توجه قرار گیرد.

اوج تلاش عربستان برای مقابله با ایران را می‌توان در برگزاری اجلاس ریاض ارزیابی کرد. این اجلاس عربی آمریکایی با هدف ایجاد ائتلاف علیه ایران در سطح خاورمیانه با حضور ۵۵ کشور اسلامی برگزار شد. در خلال این اجلاس آمریکا و عربستان سعودی یک توافق تسلیحاتی ۱۱۰ میلیارد دلاری امضا کردند. این قرارداد شامل فروش تسلیحات دفاعی و خدمات پشتیبانی است. جزئیات بیشتری از این قرارداد اعلام نشده است. رکس تیلرسون، وزیر امور خارجه آمریکا، درباره این قرارداد گفته است که این قرارداد، به امنیت بلند مدت عربستان سعودی و منطقه خلیج فارس کمک می‌کند. وی اشاره کرده است که این قرارداد تسلیحاتی "مشخصاً در برابر نفوذ بدخواهانه ایران و تهدیدهای مرتبط با ایران در سراسر مرزهای عربستان سعودی است". مقامات عربستان نیز این خرید و همچنین تلاش برای گسترش ائتلاف را با هدف مقابله با ایران در منطقه مرتبط دانسته‌اند. لازم به اشاره است که عربستان، ایران را متهم به حمایت از حوثی‌های یمن می‌کند. این گروه شیعه در مرزهای جنوب شرقی عربستان با نیروهای سعودی و متحدانش درگیر هستند. ایران این اتهام را رد می‌کند و می‌گوید کمک‌هایش بشر دوستانه است و در مقابل عربستان را متهم به حمله به هدف‌های غیر نظامی یمن می‌کند. عربستان همچنین ایران را به حمایت از جنبش‌های شیعیان در بحرین متهم می‌کند. ایران این اتهامات را هم رد می‌کند و حکومت بحرین را حاکمیت اقلیت سنی بر اکثریت شیعه می‌خواند. جنگ در سوریه و عراق هم تبدیل به چالش‌های جدی روابط ایران و عربستان و متحدانش شده است که مقامات عربستان آن را بهانه‌ای برای خرید تسلیحاتی می‌کنند. بر این اساس اجلاس ضدایرانی اخیر را باید تلاش نهایی عربستان برای مقابله با ایران ارزیابی کرد. به همین دلیل در ادامه ابعاد و محورهای اجلاس مطرح می‌شوند.

سخنرانی‌های ضد ایرانی در اجلاس ریاض



ملک سلمان، پادشاه عربستان و دونالد ترامپ، رئیس جمهور آمریکا در نشستی که با حضور رهبران ۵۵ کشور مسلمان در ریاض برگزار شد، به شدت ایران را مورد انتقاد قرار دادند. پادشاه عربستان در سخنان خود از ایران به عنوان "طلایه‌دار تروریسم" نام برد و گفت: "مسئولیت ما در مقابل خدا، مردم مان و کل جهان این است که با اتحاد خود با نیروهای شیطانی و افراط

گرایی مقابله کنیم. همچنین ملک سلمان ایران را به صدور افراط گرایی اسلامی به جهان متهم کرد.

دونالد ترامپ در این نشست گفت: می‌خواهم درباره ایران صحبت کنم که مسئول بی‌ثباتی در منطقه بوده و ایران به تروریست‌ها آموزش می‌دهد. سالیان بسیاری است که ایران آتش جنگ‌های فرقه‌ای را شعله‌ور کرده است. این کشور خواستار نابودی اسرائیل است. ایران خاورمیانه، را بی‌ثبات کرده است و در سوریه شاهد آن هستیم. همه باید کمک کنند تا ایران منزوی شود. هدف من تقویت روابط با کشورهای مختلف با هدف تحقق صلح بوده و به دنبال ایجاد صلح و امنیت در خاورمیانه و کل جهان هستیم. نشست‌های من با مقامات عربستان به ایجاد تعهد در همکاری عمیق میان دو کشور و همچنین تشکیل اتحاد برای حل بحران‌های خاورمیانه و تمام جهان منتهی شد. این نشست سرآغازی برای صلح در خاورمیانه خواهد بود و مرکز مبارزه با تروریسم، اعلامی آشکار به کشورهای اسلامی برای ایفای نقش در مبارزه با تروریسم است. اکثر قربانیان تروریسم شهروندان عادی بوده و ۹۵ درصد از قربانیان تروریسم نیز مسلمان هستند. ترامپ در نشست ریاض گفت: باید گروه‌های تروریستی نظیر داعش، حزب الله، القاعده و حماس را تحت پیگرد قرار دهیم و عدم مقابله با تروریسم باعث انتشار گسترده آن خواهد شد. مبارزه با تروریسم، مبارزه علیه دین نبوده بلکه مقابله با جرم است. مبارزه با تروریسم جنگ میان خیر و شر بوده و باید همگی در مقابله با تروریسم متحد باشیم.



رئیس جمهور آمریکا در بخشی دیگر تاکید کرد، توافقنامه‌هایی که میان آمریکا و عربستان به امضا رسید ایجاد هزاران فرصت شغلی را تضمین می‌کند. عربستان سرزمین مقدس ترین مکان هاست و مسیر مبارزه با تروریسم از این سرزمین مقدس آغاز می‌شود و ما به دنبال صلح و نه جنگ هستیم. عربستان و ائتلاف منطقه‌ای اقدام بزرگی علیه شورشیان در یمن

انجام دادند. رئیس جمهور آمریکا مدعی شد: حزب الله سازمانی تروریستی بوده و باید در برای جلوگیری از کشته شدن بی‌گناهان از هر طائفه‌ای در کنار یکدیگر قرار بگیریم. همه در منطقه خاورمیانه باید از زندگی با کرامت و مساوی بهره‌مند باشند و از رهبران دینی می‌خواهم که در توضیح و مقابله با افکار اشتباه تروریستی مشارکت داشته باشند. رئیس جمهور آمریکا اظهار نمود نظام ایران مسئول بی‌ثباتی در خاورمیانه بوده و نظام این کشور تسلیحات سازمان‌های تروریستی را تامین می‌کند. نظام بشار اسد به کمک ایران توانست علیه مردم خود مرتکب جنایت شود. ایران باید میان انزوا یا وارد شدن به

جامعه بین الملل یکی را انتخاب کند. رئیس جمهور آمریکا در پایان سخنرانی در ریاض گفت: باید جلوی ایران در تامین مالی سازمان های تروریستی را بگیریم. ملت هایمان در انتظار پاسخ و اقدامات ما در زمینه صلح هستند.

تحلیلی بر بیانیه ضد ایرانی اجلاس در ریاض

در بیانیه پایانی اجلاس سران عربی، اسلامی و آمریکایی در ریاض که با حضور ۵۵ کشور اسلامی برگزار شد از تاسیس مرکز جهانی مبارزه با ایده افراط گرایی که مقر آن در ریاض است، استقبال و بر آمادگی این کشورها برای تامین ۳۴ هزار نیرو از کشورهای اسلامی به عنوان نیروهای حامی عملیات علیه تروریسم در سوریه و عراق تاکید شد. توافقنامه بین کشورهای شرکت کننده در زمینه مبارزه با ریشه های تفکر تروریسم، خشکاندن منابع مالی آن، استقبال از تبادل اطلاعات درباره شبه نظامیان خارجی و تحرکات تشکیلات تروریستی است. همچنین در این بیانیه مطرح شده رهبران کشورهای مشارکت کننده طرح عربستان برای تاسیس مرکز "گفت و گوی بین ادیان" را ارج نهاده و با اقدامات نظام ایران به دلیل ادامه حمایت از "افراط گرایی" مخالفت کردند. طرف های مربوطه در هر کشوری باید پیگیر و عامل اجرای مصوبات بیانیه ریاض و تقویت همکاری مشترک برای حمایت از آب های منطقه ای، مبارزه با دزدی دریایی، هماهنگی بین مواضع و دیدگاه های بین جهان عرب، اسلام و آمریکا در سطح بالایی باشند.



رهبران کشورهای اسلامی بار دیگر ادعای واهی خود را درباره "خطر برنامه های موشک های بالستیک ایران" تکرار کرده و آن را در جهت نقض توافقنامه وین دانستند. رهبران کشورهای مذکور متعهد به افزایش تلاش ها برای حفظ امنیت منطقه و جهان شدند. آنها گفتند به مبارزه با اقدامات ایران که به زعم آنها برخلاف قوانین بین المللی و حسن

همجواری باشد، ادامه داده و به آن پایبندند. آنها همچنین مدعی مداخله ایران در امور داخلی کشورهای دیگر شدند. به موجب این بیانیه، بر پایان دادن به برنامه های طایفه ای و مذهبی تاکید شده که تاثیرات خطرناکی بر امنیت منطقه و جهان خواهد داشت. در بیانیه ریاض بر اهمیت همکاری کشورها، روابط بر پایه حسن همجواری، عدم مداخله در امور داخلی کشورها، احترام به حاکمیت کشورها و تمامیت ارضی آنها تاکید شد. در این بیانیه ادعا شده باید با برنامه های مذهبی و طایفه ای مبارزه کرد و مانع از مداخله در امور داخلی کشورها شد. براساس این بیانیه، باید با مفاهیم "غلط" درباره اسلام مبارزه کرد و آن را شفاف ساخت. همچنین بر تغییر خطابه های فکری برای اینکه متناسب با شیوه اسلام میانه رو باشد، تاکید شده است. آنها بر ایجاد ائتلافی متمدن براساس "صلح، دوستی، محبت و احترام" تاکید کردند همچنین بر قدرت دین اسلام بر همزیستی مسالمت آمیز با دیگران تاکید شد. اهمیت گسترش زمینه های "گفت و گوی فرهنگی هدفمند" و جدی که دین اسلام و میانه رو را روشن سازد، مورد توجه قرار گرفت. رهبران با هر گونه ارتباط تروریسم با هر دین، فرهنگ و نژادی مخالفت کردند. شرکت کنندگان بر اجرای قطعنامه های بین المللی در زمینه مبارزه با تروریسم و توسعه موسسات ملی،

منطقه‌ای و بین‌المللی تاکید کردند. رهبران شرکت کننده در نشست از مشارکت کشورهای عربی و اسلامی و حمایتشان از ائتلاف بین‌المللی ضد داعش و پیشروی‌ها علیه داعش در عراق و سوریه استقبال کردند. آنها گفتند، ماموریت این نیروهای ذخیره حمایت از عملیات علیه سازمان‌های تروریستی در عراق و سوریه در صورت نیاز است. همچنین کسانی که در این نشست حضور داشتند از همکاری با دولت مستعفی یمن و ائتلاف عربی در برابر "سازمان‌های تروریستی" در یمن استقبال کردند. آنها بر اهمیت مبارزه با تروریسم همزمان با پیشرفت در راه حل سیاسی بر درگیری‌ها تاکید کردند. آنها از اهداف استراتژیک "مرکز مبارزه با افراط‌گرایی" به لحاظ فکری، رسانه‌ای و دیجیتالی استقبال کردند.

شرکت کنندگان در نشست ریاض بر این امر تاکید کردند که تاسیس "ائتلاف خاورمیانه‌ای" و اعلام الحاق کشورهای شرکت کننده در آن در سال ۲۰۱۸ خواهد بود. بسیاری از کشورهای در ائتلاف خاورمیانه برای سهم شدن در تحقق صلح و امنیت در منطقه و جهان در آن مشارکت خواهند کرد. همچنین رهبران کشورهای از گام پیشرو برای اعلام هسته‌های تاسیس ائتلاف "خاورمیانه استراتژیک" در ریاض استقبال کرده و آن را با ارزش خواندند. آنها بر اتخاذ تدابیر کافی برای ممانعت از جرایم تروریستی با همکاری جدی بین کشورهای منطقه تاکید کردند. در این نشست بر هماهنگی مواضع و دیدگاه‌ها بین جهان عرب، اسلام و آمریکا در عالی‌ترین سطح خود تاکید شد.

اهداف پنهانی آمریکا از ایجاد ائتلاف عربی - اسرائیلی

همان گونه که گفته شد، رئیس‌جمهور جدید آمریکا از طرح ایجاد محوری «عربی - اسرائیلی» حمایت کرده است که در واقع اعلام جنگ علیه ایران نیست بلکه هدف واقعی آن به کارگیری ایران هراسی برای عادی‌سازی روابط عرب‌ها با دولت اشغالگر اسرائیل است. هدف دیگر ترامپ از این ائتلاف دوشیدن باقیمانده ثروت کشورهای عربی حوزه خلیج فارس برای تامین مالی طرح‌های زیر ساختی آمریکا است. طرح‌هایی که ترامپ وعده آنها را در تبلیغات انتخاباتی خود داده بود. دولت باراک اوباما نیز ایران هراسی را برای همین هدف به کار گرفت و ۱۳۰ میلیارد دلار جنگنده و سلاح‌های جدید به کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس فروخت؛ این در حالی است که اوباما همزمان تلاش می‌کرد تا از طریق راه حل سیاسی ایران را کنترل و زمینه گفت‌وگوهای سری با تهران را فراهم کند.

هدف دیگر آمریکا از ایجاد ائتلاف «عربی - آمریکایی» حمایت از اسرائیل و پایان دادن به حمایت اعراب از فلسطینیان است. در این زمینه می‌توان به اراده ترامپ برای مقابله با ایران اشاره کرد. به واقع ورود اسرائیل به این ائتلاف کسی را شگفت زده نکرده است؛ چرا که بنیامین نتانیاهو نخست وزیر این رژیم در سخنانی علنی گفته بود که روابطش با عربستان و دیگر کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس نیاز به ارتقا ندارد؛ چرا که این روابط الان در سطح بالایی قرار دارد. به همین شکل تلاش برای دور کردن حماس از ایران به بهانه جنگ سوریه و انتقال دفتر آن به قطر و در نهایت تغییر اساسنامه و پذیرش غیررسمی اسرائیل توسط حماس، از دیگر اقدامات عربستان و آمریکا برای خالی کردن دست ایران در منطقه به حساب می‌آید. هدف دیگر کشورهای عربی به رهبری عربستان از تغییر ماهیت حماس، ایجاد زمینه برای حل اختلاف با اسرائیل و

در نهایت تکمیل ائتلاف عربی و اسرائیلی علیه جمهوری اسلامی ایران است. تامین مالی این ائتلاف بر عهده کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس است و قربانیان آن نیز از اعراب به ویژه از مردم یمن خواهند بود؛ زیرا اولین میدان برای آزمایش این ائتلاف است و بهانه آن نیز مقابله با خطر نفوذ ایران خواهد بود.

ضمن اینکه در مقابل کشورهای عربی به ویژه عربستان در ازای ائتلاف با اسرائیل به تعدیل قانون جاستا امیدوار خواهند بود. قانونی که به شهروندان آمریکایی متضرر از حملات ۱۱ سپتامبر اجازه می‌دهد تا از دولت های عربی شکایت کنند. البته این اقدام کشورهای عربی خودکشی مالی و سیاسی خواهد بود و یک دام جدید از سوی دولت جدید آمریکا است تا کشورهای عربی حوزه خلیج فارس در این دام گرفتار شوند و توان مالی و انسانی آنها فرسوده شود و جای تاسف دارد که کشورهای عربی با چشم باز به این دام می‌روند. تشکیل ائتلاف جدید در شرایطی است که راه حل «دو دولت» دهن شده و به نتایج برای تسریع در شهرک سازی و ترامپ برای بلعیدن باقی مانده سرزمین فلسطین به نتایج چرخ سبز نشان داده است.

نگاه اروپایی به ائتلاف عربی - آمریکایی

نخستین سفر ریاست جمهوری آمریکا به عربستان سعودی و سخنان غیرمنتظره او، واکنش بسیاری از اروپایی ها را برانگیخت. ادامه واکنش ها در نشست گروه هفت، نشان داد اروپا رفتار کاسب کارانه ترامپ را به خوبی درک کرده و به همان اندازه که ترامپ در امور بین المللی خود را کنار می کشد، قاره سبز نیز تمایلی به پذیرش رهبری سیاسی آمریکا ندارد. گفته های ترامپ علیه ایران، و توهم آل سعود درباره تمایل ایران برای فتح شهرهای مذهبی جهان اسلام، از سوی شبکه سی ان ان به عنوان شروعی دوباره در روابط آمریکا و عربستان سعودی ارزیابی شد؛ اما اکثر خبررسانی های اروپایی با انتقاد از سی ان ان، به گفتمان عوامانه ترامپ اعتراض کردند که چگونه فردی با مسئولیت ریاست جمهوری کشور می تواند تا این اندازه درقبال افزایش تنش و خطر درگیری بی مسئولیت باشد.

به باور اروپایی ها، سفر ترامپ به عربستان سعودی درباره اسلام یا ایران نبود، بلکه تحقق شعار «اول آمریکای» ترامپ بود. او توانست سود خوبی را به صنعت نظامی آمریکا تزریق کند، و از سوی دیگر، آل سعود توانست بار دیگر با پول نفت روایت انزوای بین المللی ایران را بخرد. در این میان، مهم نیست ترامپ می داند سلسله سعود از درون واپاشیده است و این حجم تسلیحات منطقه را به آتش خواهد کشید یا مهم نیست که عربستان می داند ترامپ فقط در جستجوی معامله ای پرسود و خروج از منطقه است. از دید اروپا، در این میان ایران نقطه اشتراکی بین آمریکا و آل سعود است که از دوران بوش پسر به یادگار مانده است. اروپایی ها، بعید دانسته اند که ترامپ در جریان رویدادهای سیاسی دیگر کشورهای منطقه بوده باشد. به گفته آنها، سفر ترامپ در حالی به وقوع پیوست که روز پیش از آن، یکی از منحصربه فردترین رویدادهای خاورمیانه ای، یعنی انتخاباتی آزاد و عادلانه در ایران، بود. بنابراین، از دید آنان، بهترین توصیف از این سفر، پشت کردن به ارزش هایی مانند مردم سالاری و اعتدال است. از دید اروپایی ها، نمایش ترامپ و آل سعود تغییری در سیاست آمریکا درقبال ایران به وجود نیاورده است. به باور کارشناسان اروپایی، آنچه در نشست سران عربی - اسلامی - آمریکایی نیز شاهد آن بودیم، بیانیه ای بود که فقط از سوی عربستان قرائت شد و لحن تند آن درخصوص ایران، به هیچ وجه نمی تواند نشانگر سیاست دیگر کشورهای

حاضر (مانند: مصر، پاکستان، و عمان یا دیگران) در قبال ایران باشد. پس از سفر ترامپ نیز، در رسانه‌های اروپایی عنوان شد بین قطر، عربستان، و امارات متحده عربی در زمینه رویکردی که هر یک از این کشورها مایلند در برابر ایران اتخاذ کنند، شکافی سیاسی پیش آمده است.

طبق برداشت اروپایی‌ها، رکس تیلرسون، وزیر امور خارجه آمریکا نیز در کنفرانس مطبوعاتی با عادل الجبیر، رویکردی میانه‌رو در قبال ایران داشته است تا به تنش با ایران دامن نزند؛ بنابراین به‌باور آنها، با توجه به آنکه هیچ‌گونه گزینه دیگری روی میز نبود، یا تهدید تغییر نظام سیاسی، یا راهبرد مهار، در خصوص ایران مطرح نشد، می‌توان گفت آمریکا همچنان خواهان ادامه سیاست اوپاما در قبال ایران است. ضمن اینکه تیلرسون از ریاض اعلام کرد آمریکا از هر احتمالی برای همکاری با ایران در زمینه مبارزه با تروریسم بهره خواهد برد.

ترامپ سفر خود را با ترتیب اسلام، یهود، و مسیحیت شکل داده بود. در حالی که رسانه‌های آمریکایی سفر ترامپ به عربستان را تمایل وی به افزایش محبوبیت خود در میان مسلمانان توصیف می‌کنند، از دید رسانه‌های اروپایی نتیجه منطقی گفتمان ترامپ رو به مسلمانان حاضر در عربستان این بود که «تروریست‌ها مسلمان هستند».

از دید اروپایی‌ها، گفته‌های ترامپ سرشار از بحث درباره الهیات، وظایف اخلاقی، و بسیار مشابه با گفته‌های رهبران داعش بوده است. از نظر آنان، بی‌شک طرفداری از عربستان سعودی، و منزوی کردن ایران، به‌عنوان قدرتی شیعه، افزایش تنش فرقه‌ای را در پی خواهد داشت؛ اما اینکه چرا باید رئیس‌جمهور آمریکا به چنین امری دامن بزند، جای سؤال دارد. از دید آنان، بازگشت ترامپ به تفکر قدرت‌های خوب و قدرت‌های بد در منطقه، در بدو ورود او به جایگاه قدرت، و بدون در نظر گرفتن تحولاتی مانند «قیام‌های عربی»، ظهور داعش، و انعقاد و پیاده‌سازی موفق توافق هسته‌ای، نوعی نتیجه‌گیری پیش‌داروانه است. به‌باور آنها نمی‌توان دهه گذشته را از تاریخ جهان اسلام پاک، و توهمات پادشاهی‌های روبه انقراض را تأیید کرد. یکی دیگر از نکاتی که در بحث اسلام مورد توجه رسانه‌ها و کارشناسان اروپایی قرار گرفته آن است که ممنوعیت ورود مسلمانان به آمریکا، برای تمام مسلمانان اروپایی نوعی بی‌احترامی به جهان اسلام تلقی می‌شود، اما این مهم به‌هیچ‌وجه در این سفر و پس از آن، مورد توجه عربستان سعودی که داعیه رهبری جهان اسلام را دارد قرار نگرفته است.

یکی از مهم‌ترین واکنش‌های اروپایی، به فروش ۱۱۰ میلیارد دلاری تسلیحات آمریکایی برای مهار ایران بوده است. این مسأله برای اروپا بسیار ناراحت‌کننده است. یکی از دلایل آن، فشار افکار عمومی به سران کشورهای عضو اتحادیه برای ممانعت از فروش تسلیحات به عربستان و قطر بوده است. از دید حامیان این دیدگاه، منطقه خاورمیانه به اندازه کافی زرادخانه‌های تسلیحاتی دارد و عاقلانه است برای ممانعت از رسیدن این تسلیحات به دست تروریست‌ها، کشورهای صادرکننده در این برهه زمانی متوقف شوند. به گفته اروپایی‌ها، اگرچه از سوی آمریکایی‌ها توجیه می‌شود که حامیان داعش در عربستان و قطر افرادی در بخش خصوصی این کشورند و ارتباطی با سران این کشور ندارند، اما سرنوشت این تسلیحات برای اروپا که به‌نوعی همسایه غرب آسیا محسوب می‌شود بسیار مهم است.

یکی از نگرانی‌های اروپایی‌ها بحث سرپوش گذاشتن ترامپ بر مسائل حقوق بشری عربستان سعودی است. از دید آنان، اگر عربستان توان خرید این میزان تسلیحات را برای برافروختن آتش جنگ دارد، چرا نمی‌تواند بخشی از آن را صرف ایجاد صلح، توسعه، و ثبات در کشور خود و به‌طور کلی در جهان اسلام کند. از نظر اروپایی‌ها، در کنار انحصارطلبی طبقه حاکم، متأسفانه توهم ایران قدرتمند، از دلایل مهم نقض حقوق بشر و ریشه‌کن نشدن فقر در عربستان است. پیش از این نیز در حدود یک ماه قبل، با انتخاب عربستان سعودی به‌عنوان یکی از اعضای کمیسیون مقام زن نزد سازمان ملل متحد، گروه‌های حقوق بشری اروپا انتقادهایی را مطرح کرده بودند. ترامپ متهم شده است که در این سفر موج جدیدی از سرکوب را در بحرین علیه شیعیان این کشور به راه انداخته است. از سوی دیگر، از نظر اروپا، رفتار ترامپ در سفر به عربستان، همراه با ریاکاری و مدارای تحقیرآمیز با پادشاهانی بود که بارها در توثیتهای خود آنها را ضعیف‌النفس و بزدل نامیده بود. مسئله‌ای که اروپاییان را برانگیخته کرد، این بود که ترامپ ارزش‌های آمریکایی و عربستانی را مشترک خواند. بسیاری این پرسش را مطرح کرده‌اند که آیا چندموسری، ضدیت با مردم‌سالاری، دیکتاتوری، و دیگر موضوعات جز فروش نفت و تسلیحات هم به فهرست جدید ارزش‌های مشترک عربستانی-آمریکایی افزوده شده‌اند؟

مقامات و کارشناسان اروپایی تلاش دارند استقلال خود را از آمریکای ترامپ حفظ کنند. از دید آنها، به گفته‌های ترامپ، چه در عربستان و چه در هر جایگاه دیگری که او قرار می‌گیرد، به‌عنوان برنامه‌ای عملی یا امری که دستور کاری را ایجاد می‌کند، نباید نگریده شود. از دید اروپا، واقعیت در مورد ترامپ تمایل او به سوداگری است. این ویژگی، می‌تواند در هزاران قالب مختلف عرضه، و سیاست خارجی این کشور تلقی شود؛ اما آنچه واقعاً سیاست خارجی آمریکاست، عملکرد این کشور خواهد بود که تفاوتی ماهوی با سیاست او با ما ندارد، اما از لحن و قالب متفاوتی برخوردار است. از نظر اروپا، ترامپ گاه ممکن است عملگر شده و وارد صحنه شود که این مسئله رابطه‌ای مستقیم با فشارهای داخلی علیه او دارد. سفر او به عربستان سعودی، یعنی کشوری که پس از هیاهوی بسیار در حوادث یازده سپتامبر متهم شناخته شد، و گفته‌های او علیه ایران، از جمله موضوعاتی هستند که اروپا در عین انتقاد صریح از آن، تلاش دارد به چشم سیاست‌هایی اقتصادی به آنها نگاه کند.

اختلاف در محور عربی

جرقه بحران در روابط قطر با عربستان و به دنبال آن بحرین، امارات، مصر و یمن با سخنان امیر قطر در حمایت از ایران زده شد؛ اما واقعیت این است که سخنان امیر قطر در حمایت از ایران، صرفاً دستاویزی برای عربستان بود تا اختلافات دیرینه خود با قطر را آشکارا با این کشور تسویه حساب کند. اختلافات میان عربستان و قطر ریشه تاریخی دارد. این دو کشور از گذشته اختلافات ارضی با یکدیگر داشتند. ۲۳ مایل از جنوب اراضی قطر مورد اختلاف این کشور با عربستان سعودی است و در سال ۱۹۹۲ نیز به درگیری نظامی میان دو کشور و تعلیق قرارداد ۱۹۶۵ از سوی قطر منجر شد که دامنه این اختلاف ارضی به نواری از خلیج سلوا در جنوب غربی قطر تا خورالعدید در جنوب شرقی این کشور نیز تعمیم یافته است. اما ریشه اختلاف جدی میان دو کشور به سال ۱۹۹۵ بازمی‌گردد؛ زمانی که «حمد بن خلیفه»، امیر کنونی در زمان پدرش شیخ «خلیفه

بن حمد» کودتا کرد تا مرحله جدیدی را قطر آغاز کند که بیانگر خروج قطر از زیر نظر عربستان سعودی و تبدیل آن به یکی از کشورهای مستقل خلیج فارس بود. اما شکل جدید اختلافات میان این دو کشور از زمان خیزش های مردمی و انقلابی در منطقه آشکارا مشخص و این دو کشور وارد دو دسته بندی پنهان اما رقابت آمیز شدند؛ رقابتی که بیش از هر چیز برای تسلط نظم منطقه ای مورد نظر خود در جریان بوده و هست.

تحولات و دگرگونی های سیاسی مصر، تونس و لیبی پس از انقلاب های عربی و تغییر رژیم های استبدادی، موج تازه ای از به قدرت رسیدن اسلام گرایان نظیر اخوان المسلمین را به دنبال داشت. این تحول مهم سبب شکل گیری نظم سه قطبی منطقه ای در خاورمیانه بر مبنای نظم اسلام گرایی انقلابی (ایران)، نظم اخوانی (قطر و ترکیه) و نظم سلفی (عربستان و همپیمانانش) شد، اما مشکلات داخلی و کارشکنی های خارجی که اخوان المسلمین را از عرصه سیاسی قدرت در مصر خارج کرد، یکی از پایه های مهم این نظم سه قطبی در خاورمیانه را متزلزل کرد. مسلماً وقوع این رخداد مهم، نه تنها پیامدهایی را در بُعد داخلی برای مصر به همراه خواهد داشت، بلکه با تأثیر بر روابط بازیگران منطقه ای، محیط امنیتی خاورمیانه و شمال آفریقا را نیز تحت تأثیرگذار گذاشت.

در همین راستا، قطر و عربستان برای به قدرت رسیدن جریان اسلامگرایی مورد نظر خود ثروت زیادی را خرج می کرده اند و اختلاف نظر زیادی میان آن ها در این زمینه وجود دارد. در حالی که قطر به پایگاهی برای یکی از بزرگ ترین اپوزیسیون های عربستان در خلیج فارس یعنی جماعت اخوان المسلمین تبدیل شده است، بر کسی پوشیده نیست که عربستان هوادار گروه های سلفی است؛ علت این مسأله هم جایگاه نهاد وهابیت در دولت این کشور از زمان پیدایش آن است. نهاد وهابیت از زمان شکل گیری و آغاز برنامه ای موسوم به (نشر الدعوة) در جهان با نظارت نهاد وهابیت و هزینه دولت اداره می شود و بخش وسیعی از جنبش های سلفی در جهان عرب و اسلام نیز از آن سود می برند.

اختلاف میان دو کشور قطر و عربستان امروز بیش از هر چیز به خاطر سهم خواهی هر یک از دو کشور در نظام های تونس، مصر، لیبی و حتی سوریه است. حتی در سوریه به رغم اینکه هر دو برای سرنگونی بشار اسد تلاش می کنند و هزینه های زیادی را نیز خرج گروه های افراط گرا برای ساقط کردن نظام سوریه کردند، ولی در مورد نظم و ساختار سیاسی اخوانی و سلفی مورد نظر خود در آینده سیاسی سوریه اختلاف نظر دارند. هر یک از این دو کشور در چند سال گذشته تلاش کردند تا تنش روابط میان اخوان و سلفی ها را در تونس و مصر کنترل کنند تا این اختلاف به حد انفجار نرسد؛ اما همان طور که روزنامه السفير لبنان چهار سال پیش نوشت: «این آتش بس موقت و متزلزل است و روزی از بین خواهد رفت و این سستی را باید در درون تفاهم صوری میان اخوان المسلمین و سلفی ها جستجو کرد»، این اختلافات فوران کرد و ما اکنون شاهد آن هستیم. روزنامه «لوفیگارو» فرانسه نیز طی یک تحقیق تصریح کرده بود، میان قطر و عربستان در مورد سیطره بر عناصر مسلح در سوریه و سایر نقاط خاورمیانه اختلاف و تنش حاکم است. این روزنامه نوشته بود که آل سعود از گروه های سلفی حمایت مالی و تسلیحاتی می کند، در حالی که آل ثانی از گروه های مسلح وابسته به گروه اخوان المسلمین حمایت و اختلاف میان آن ها روزی منطقه را وارد یک بحران جدید می کند. در این میان، نباید نقش و رویکرد ترکیه را نادیده گرفت و فراموش

کرد. طبعاً وقتی صحبت از اخوان المسلمین مطرح می‌شود، پای ترکیه نیز به میان کشیده می‌شود، این کشور نیز یکی از رقبای اصلی عربستان در منطقه به شمار می‌رود. بخشی از این اختلافات نیز در عرصه سوریه خود را نشان می‌دهد. مواضع متناقض عربستان و قطر به همراه ترکیه در خصوص مشارکت مخالفان مسلح سوریه در مذاکرات اخیر بحران این کشور، حاکی از شکاف‌های عمده و اختلافات عمیق میان دو طرف است.

ترکیه اکنون باید در کنار قطر قرار می‌گرفت، زیرا به همراه این کشور دو بازیگری هستند که به شدت از جریان‌های اخوانی در منطقه حمایت کرده‌اند؛ اما آنکارا تاکنون موضع محکمی برای حمایت از قطر در پیش نگرفته است. در همین زمینه، پایگاه آمریکایی «میدل ایست آی» در مطلبی نوشت: آیا ترکیه به سکوتش در قبال قطر خاتمه می‌دهد یا اینکه از این کشور حمایت خواهد کرد؟ در جدی‌ترین واکنش آنکارا مولود چاووش اغلو گفت: «ما متأسفیم که می‌بینیم چنین اتفاقی افتاده است. ما آماده‌ایم هر اقدامی برای پایان دادن این وضعیت انجام دهیم.» یکی از مقامات وزارت خارجه ترکیه که خواست نامش فاش نشود نیز در گفت‌وگو با میدل ایست آی اظهار داشت: آنکارا در چند روز گذشته، یک رویکرد مناسبی برای حمایت از قطر در پیش گرفت که موجب نگرانی سعودی‌ها نیز نشود. غیر از اینکه قطر و ترکیه در بسیاری از مسائل منطقه‌ای از جمله حمایت از گروه‌های اخوانی منافع مشترکی دارند، میدل ایست آی نوشت، موضع ترکیه از این جهت می‌تواند مهم باشد که این کشور از سال ۲۰۱۶ تاکنون یک پایگاه نظامی با تقریباً ۶۰۰ نیرو در قطر دارد. در ادامه این روزنامه آمریکایی تصریح کرد، به رغم پیوندهای نزدیک میان دوحه و آنکارا بعید است که ترکیه بخواهد خود را به عربستان وارد چالش کند و به همین جهت، نباید شاهد حمایت قاطع این کشور از قطر باشیم. در نهایت برخی تحلیلگران نیز بر این باور بودند که منازعات شیوخ عرب به ویژه همزمانی آن با سفر ترامپ به منطقه در چهارچوب تلاش رئیس‌جمهوری آمریکا برای بستن پرونده جماعت اخوان المسلمین و قطر به عنوان مهم‌ترین حامی آن در جهان عرب که وعده آن را طی رقابت‌های انتخاباتی اش داده بود، است.

سیاست انگلستان در قبال ائتلاف و اختلاف قطر و عربستان

در میان تحلیل‌ها و تفسیرهای ارائه شده در خصوص تنش ایجاد شده بین عربستان سعودی و قطر، برخی تحلیل‌ها با اشاره به اینکه قطر همواره حمایت همه‌جانبه‌ای از جماعت اخوان المسلمین داشته و تلاش‌های بسیاری برای به قدرت رسیدن «رجب طیب اردوغان» به عنوان رئیس‌جمهور در ترکیه به عمل آورده است، تأکید می‌کند: دوحه سیاست خارجی خود را با استناد به اصول و مبادی فکر جماعت بنا نهاد، بر خلاف عربستان سعودی که سیاست خارجی اش ریشه در اصول و مبادی وهابیت دارد. در صحنه سیاست بین‌الملل به همان اندازه که وهابیت سعودی به آمریکایی‌ها وابسته است، جماعت اخوان المسلمین با سابقه تاریخی بیش از ۱۵۰ ساله اش تحت لوای انگلیسی‌ها به حیات حزبی و سیاسی خود ادامه داده و به مرور زمان به یکی از سازمان‌یافته‌ترین و با نفوذترین گروه‌های سیاسی و دینی جهان تبدیل شده است، به ویژه آنکه انگلیس در کنار هموار کردن راه فعالیت در عرصه سیاسی، زمینه ورود جماعت به عرصه اقتصاد جهت تأمین نیازهای مالی آن را نیز فراهم نموده بود. گفته می‌شود، میزان حمایت‌های صورت گرفته انگلیس از اخوان المسلمین و کمک‌های این کشور به جماعت به اندازه کمک‌ها و حمایت‌های ارائه شده لندن به یهودیان برای تأسیس «اسرائیل» و غلطیدن به دامان آمریکایی‌ها بوده است.

به موازات گسترش نفوذ آمریکایی ها در جهان عرب و افول نقش انگلیسی ها در این جهان، شاهد انتشار و قدرت گیری مکتب وهابیت و رو به ضعف نهادن جماعت در این کشورها بودیم. در تمام طول این دوره مهمترین سیاست واشنگتن تضعیف اخوانی ها تا جایی بود که امکان بازگشت این جماعت به عرصه سیاسی منطقه ای و جهانی وجود نداشته باشد و در این راستا، جذب ترکیه و پاکستان به عنوان دیگر کانون های مهم جماعت در منطقه در اولویت های سیاست خارجی دولت های مختلف آمریکا قرار گرفت.

بر اساس این تحلیل ها آنچه در نشست های سه گانه ریاض با حضور ترامپ رخ داد و آشکارا ترکیه و قطر را به حاشیه رانده و نقش این دو کشور در عرصه منطقه ای را تضعیف کرده بود، در کنار عملیات تروریستی که هفته گذشته منچستر انگلیس را هدف قرار داد، تحولاتی بودند که به محور انگلیس - قطر - ترکیه - اخوان المسلمین ضرورت تحرک جدی و اتخاذ تدابیری جدید برای مقابله با این تحولات را متذکر می شد.

قطر به خوبی درک می کند، هرگونه موفقیت ایران در تفوق بر دشمنان دوحه، اگرچه این کشور را در محور متحدان آمریکا یا هم پیمانان انگلیس در منطقه قرار نمی دهد، اما می تواند، با تامین برخی منافع و اهداف منطقه ای این کشور همراه باشد و بالعکس آن، موفقیت سعودی ها در منطقه می توان تمام داشته های قطر از جمله مناسبات دوحه - تل آویو را بر باد دهد، نکته مهم در این معادله این است که اگر ریاض موفق به براندازی سیاسی و انزوای منطقه ای دوحه شود، واشنگتن اعتراضی به این امر نخواهد کرد، چون آمریکایی ها به خوبی می دانند، انزوای قطر به معنای تضعیف نفوذ سیاسی انگلیس در منطقه است.

با توجه به آنچه ذکر آن رفت، باید گفت تنش عربستان سعودی و قطر را رویارویی شیوخ آمریکایی با شیوخ انگلیسی منطقه تعبیر کرد که در حقیقت رویارویی استعمار پیر (انگلیس) برای باز پس گیری جایگاه و نفوذ منطقه ای سابق خود در منطقه و استعمار جدید (آمریکا) برای حفظ این نفوذ است.

حمایت اسرائیل از ائتلاف عربی

اسرائیل از جمله حامیان ائتلاف عربی است. به گزارش اسپیکل آویگدور لیبرمن، وزیر دفاع اسرائیل در گفتگوی با روزنامه آلمانی "دی ولت" عربستان سعودی را به تشکیل ائتلافی گسترده در خاورمیانه علیه جمهوری اسلامی ایران فراخواند و گفت: "وقت آن رسیده است که علناً و رسماً ائتلافی مرکب از نیروهای میانه رو در خاورمیانه علیه تروریسم شکل بگیرد. وزیر دفاع اسرائیل در جای دیگری از این مصاحبه تأکید کرد که از نظر دولت های عرب حوزه خلیج فارس بزرگترین تهدید امنیتی منطقه نه اسرائیل یا صهیونیسم و یهودیان، بلکه جمهوری اسلامی ایران است". وزیر دفاع اسرائیل از پیمان آتلانتیک شمالی، ناتو، به عنوان الگوی ائتلاف کشورش با دولت های عرب و سنی منطقه یاد کرد و افزود که همانند ناتو، کشورهای عضو ائتلاف خاورمیانه متعهد می شوند که در برابر هر گونه تهدید خارجی از یکدیگر حمایت کنند. آویگدور لیبرمن سپس اضافه کرد که اسرائیل از نظر نظامی کشور قدرتمندی است و نه فقط قادر است به تنهایی از خود دفاع کند، بلکه نیز می تواند برای دفع تهدیدها به یاری دیگر کشورهای منطقه بشتابد.

کشورهای عرب عضو شورای همکاری خلیج فارس جمهوری اسلامی ایران را به دلیل مشارکت اش در جنگ های نیابتی سوریه، لبنان، عراق و همچنین به خاطر دخالت هایش در امور دیگر کشورهای منطقه مهمترین منشاء تهدید و بی ثباتی خاورمیانه می دانند. اخیراً نخست وزیر اسرائیل، بنیامین نتانیا هو، در سفرهایی به آمریکا، انگلستان، روسیه، استرالیا، سنگاپور... خواستار تشکیل جبهه ای جهانی علیه جمهوری اسلامی ایران شد.

وزیر دفاع اسرائیل در جای دیگری از سخنانش توافق اتمی صورت گرفته با جمهوری اسلامی ایران را مورد انتقاد قرار داد. او همچنین سیاست کشورهای اروپایی را در قبال مسئله خاورمیانه و فلسطین یکجانبه توصیف کرد و از کشورهای اروپایی خواست که خاورمیانه را به فراموشی بسپارند. آویگدور لیبرمن سپس اضافه کرد که اسرائیل برای گفتگو با کشورهای همسایه اش نیازی به واسطه ندارد.

فرجام

با توجه به نشست ریاض، واقعیت این است که عربستان به دنبال مصالح و منافع خود در منطقه است و سفر رئیس جمهور امریکا در شرایطی به عربستان صورت گرفت که این کشور در شرایط پیچیده ای قرار گرفته و انتظارات و خواسته های آن در حوادث منطقه تحقق پیدا نکرده و دچار نوعی استیصال سیاسی شده است. از یک طرف سقوط دولت بشار که بر آن بودند عملی نشد و اکنون نافرجامی در یمن و موضع گیری های دولت قبلی امریکا که در جهت خلاف خواسته های آنها بود، همه سبب استیصال دولت عربستان شده بود. ترامپ برای رضایت خاطر عربستان خواستار گسترش روابط با عربستان است. وی بر آن بود که در جریان این ملاقات اولاً قرارداد یکصد میلیارد فروش تجهیزات نظامی را امضا کند که برای ترامپ که سابقه اقتصادی دارد مهم است. همچنین تلاش کرد سرمایه گذاری عربستان که در حدود بیش از ۴۰ میلیارد دلار در امریکا است را افزایش دهند. این موضوع بیش از هر چیز به نفع امریکا است. در این سفر همچنین قولهایی در رابطه با خواست عربستان و همراهان آن درباره نفوذ ایران و برطرف کردن نگرانی نفوذ ایران در عراق و سوریه و لبنان و یمن صحبت شد. از این لحاظ امریکایی ها بر آنند که سیاست مورد نظر عربستان و دیگر کشورهای عربی را بطور نسبی در پیش بگیرند. ولی اولویت دولت ترامپ روی مسئله تعهدات مالی امریکا است که بتواند آنرا در خارج از امریکا کاهش دهد و بالعکس سرمایه گذاری دیگران را در امریکا تشویق کند. بنابراین فرایند این سفر بیش از همه نفعش برای امریکا بود. از این رو در این سفر قرارداد فروش تسلیحات و افزایش سرمایه گذاری این کشورها در امریکا و همچنین دادن نوعی دلخوشی به کشورهای این منطقه در جهت کاهش نفوذ ایران در منطقه مدنظر بود و نتیجه دیگری نخواهد داشت.

منتظر ارایه نظرات و پیشنهادات تکمیلی شما نخبگان و کارشناسان گرامی فوایدیم بود.

رصدخانه، روابط بین الملل مجمع جهانی صلح اسلامی